



شهر فرنگ دنیای مجازی اینترنت  
نوشته : هوشنگ سپهر  
فروردین ۱۳۹۳

### شهر فرنگ دنیای مجازی اینترنت

چندی پیش رفیق نازنینی ایمیلی فرستاد و پارگراف اول مطلبی و آدرس صفحه اینترنتی حاوی آن مطلب را برایم فرستاد و نظر مرا درباره مطالب مندرج در آن صفحه و اصولا در مورد کل سایت پرسید. من که از وجود آن سایت و آن مطلب اطلاع نداشتم نظر خود را به بعد از خواندن آن مطلب و مرور کل سایت موکول کردم. آشنایی من با این رفیق به خاطر همکاری های سیاسی مشترک مان بود که شروعش به سال ها قبل از انقلاب ۱۳۵۷ برمی گردد. زندان رفتنش در ایران و سال ها دراز پناهندگی سیاسی مان در اروپا تزلزلی در این رابطه سیاسی و شخصی به وجود نیاورد. علی رغم همه مشغولیات دیگر فرصتی دست و پا کردم تا به وعده ای که به او داده بودم وفا کنم و مطلب ناکامل زیر را با تاخیر فراهم کردم.

سیروس نازنین

من مطلبی که آدرس اش را فرستاده بودی ( [اتوبیوگرافی "مازیار رازی"](#) ) خواندم و از سر کنجکاوی نگاهی سریع به عناوین بقیه مطالب سایت انداختم. در بدو امر تصمیم نداشتم واکنشی بدان نشان دهم، چرا که به لحاظ سیاسی مازیار رازی در جنبش چپ ایران نسل انقلاب چهره ناشناسی است و خودت خوب می دانی که نزد کسانی که با او آشنایی سیاسی دارند به ویژه اعضای "حزب کارگران سوسیالیست" سابق پیشینه چندان خوشنامی ندارد و او را طرد کرده اند. اما آن چه که مرا به نوشتن این یادداشت ترغیب کرد این بود که رفقای دیگری هم بودند که مدت ها از پخش مطالب نادرست سیاسی در رابطه با "حزب کارگران سوسیالیست" از جانب این فرد آگاه بودند و اصرار آنان در روشن شدن واقعیت ها مشوق اصلی من در نوشتن این یادداشت توضیحی بوده است.

حتما تو هم با من موافقی که "تنها حقیقت انقلابی است". پس هر آن چه که حقیقت نباشد اگر ضدانقلابی نباشد حتما غیرانقلابی است. وظیفه یک انقلابی در هر شرایطی بیان حقیقت است و هیچ دستاویزی نه تنها بیان دروغ بلکه کتمان حقیقت را توجیه نمی کند. تاریخچه کمونیست های صادقی که به بهانه گزگ ندادن به دست دشمن طبقاتی به توجیه استالینیزم و جنایاتش پرداختند را امروزه با آن آشنا هستیم. بشریت بهای بسیار سنگینی برایش پرداخته و هنوز هم می پردازد. این مقدمه را برای این نوشتن که بدانی نکاتی که در سطور پایین بدان ها اشاره خواهم کرد نه از سر دادخواهی فردی از سوی خودم و یا به وکالت از جانب دیگر نویسندگان علیه " دزدی ادبی" است، بلکه مبارزه علیه یکی از زشت ترین نحوه "پیش برد مبارزه طبقاتی" یعنی دزدی ادبی" از نوع انقلابی اش است. هدف هیچگاه وسیله را توجیه نمی کند. می دانم که با یادآوری این فرد و اعمالش احتمالا کابوس هایی که شب ها در زندان به سراغت می آمد را برایت زنده خواهم کرد، اما این بار تو خود خواسته ای در حالی که سی دو سال پیش عامل اش کسی بود که امروزه بر خود "مازیار رازی" نام نهاده است.

پس از این مقدمه کوتاه حال نگاهی به پاره از نکاتی مندرج در ( [اتوبیوگرافی "مازیار رازی"](#) ) بیافکنیم. برای آن که به نکات اصلی برسیم ما بررسی این شرح زندگی که به قلم خودش است را از آخر شروع می کنیم، چرا که در مقابل لاف زنی

های بیمارگونه و سراپا نادرست بخش آغازین مطلب، نیمه دوم مطلب نکاتی را مطرح می کند که می توان مستندانه آن ها را مورد بررسی قرار داد.

•<<< می خوانیم : مازیار رازی یک سلسله بحث های شنیداری در مورد [اصول مقدماتی مارکسیزم](#) نیز تهیه کرده است.

در سال ۱۹۷۸ ارنست مندل کتابی می نویسد با عنوان « [Introduction aux marxisme](#) » این کتاب بلافاصله به زبان های دیگر از جمله به زبان انگلیسی ترجمه می شود. نویسنده این سطور سریعاً آن را از متن انگلیسی تحت عنوان « [الفبای مارکسیزم](#) » به فارسی ترجمه می کند. این هم زمان با انقلاب ایران است. از مندل خواسته می شود که برای ترجمه فارسی فصلی در مورد انقلاب ایران به کتاب بیفزاید. وی آن را نوشت و به ترجمه فارسی افزوده شد. این کتاب در سال اول انقلاب در تهران توسط انتشارات « [طلیعه](#) » که وابسته به « [حزب کارگران سوسیالیست](#) » بود منتشر شد و از آن استقبال شد. رژیم به اهمیت آن پی برد و به نابودی آن پرداخت. سال ها بعد در خارج از کشور هم تکثیر شد. این کتاب در سایت های اینترنتی « [آرشیو ارنست مندل](#) » « [آرشیو حزب کارگران سوسیالیست](#) » و « [هوشنگ سپهر](#) » که توسط نگارنده این سطور ایجاد شده اند در دسترس همگان قرار دارد.

اما این مطالب چه ربطی با بحث های شنیداری در مورد [اصول مقدماتی مارکسیزم](#) توسط مازیار رازی دارد؟ هر یک از بحث های شنیداری چیزی نیست جز روخوانی کلمه به کلمه یکی از فصل های ترجمه فارسی کتاب مندل. اگر باور نمی کنید کافی است کتاب را باز کنید و در عین حال نوار آن فصل مربوطه را هم زمان گوش کنید. برای مثال [فصل سوم: نابرابری های اجتماعی در طول تاریخ](#) : ص.ص ۴۵-۱۷ و [نوار روخوانی](#) آن. غلط خوانی و تلفظ نادرست کلمات خود گواهی است بر میزان سواد روضه خوان ما. حتماً حالا می فهمی که چرا کتاب « [الفبای مارکسیزم](#) » را از روی سایتش حذف کرده است!

•<<< می خوانیم : مازیار رازی با همکاری با « [آرشیو مارکسیست ها در اینترنت](#) » پیشگفتارهایی به آثار کلاسیک مارکس، لنین و تروتسکی نگاشته است.

بزرگ ترین شاهکار این فرد در همین بخش است. ۲۵ پیشگفتار بر متون پایه ای مارکسیزم نوشته است. حجم ۲۳ پیشگفتار بین چند سطر و حداکثر ۲ صفحه می باشند. اکثر این نوشته ها اقتباس و یا رونویسی از مطالب قبلاً چاپ شده هستند. این نوشته ها به علت عدم فهم کپی بردار از مطالب اصلی به لحاظ سیاسی نامفهوم، نادرست و بی ارزش اند، و به لحاظ نگارش در سطح انشای یک دانش آموز دبیرستانی همراه با غلط های املائی و انشائی فراوان، نظیر نوشته های دیگر او. اما دو پیشگفتار بر کتاب های « [کاپیتال](#) » نوشته مارکس و « [بین الملل سوم پس از لنین](#) » نوشته تروتسکی از نوع دیگری اند.

•<<< پیشگفتار بر سرمایه «[کاپیتال](#)»

این نوشته ۵۰ صفحه مطلب با سبک نگارشی ادبی و نثر روان فاقد غلط های املائی و انشائی است. تفاوت این نوشته با سایر پیشگفتارها فقط در تعداد صفحات و یا سبک نگارش نیست. مشکل هر دو این نکات را با سفارش دادن نوشتن مقاله به یک اهل قلم می توان حل کرد، کما این که در گذشته بدان متوسل شده بود. تمایز آن عمدتاً در محتوا، نوع مطلب، نحوه بیان و استدلالات آن است. کسانی که با اقتصاد مارکسیستی آشنایی داشته باشند سریعاً به این نکته پی می برند و مؤلف آن را در بین چهره های شناخته شده سراغ می گیرند و او را در ردیف «نظریه پرداز مارکسیست» قرار می دهند.

در دهه ۱۹۷۰ میلادی انتشارات سرشناس «پنگوئن» کتاب «[کاپیتال](#)» مارکس را تجدید چاپ می کند. از مندل خواسته می شود که پیشگفتاری بر آن بنویسد. این پیشگفتار در جلد نخست چاپ می شود. در ایران بابک احمدی این مقدمه را از ترجمه انگلیسی به فارسی ترجمه می کند و نویسنده این سطور با مترجم همکاری داشت. این کتاب در سال ۱۳۵۸ در تهران تحت عنوان «[درآمدی بر نخستین مجلد سرمایه کارل مارکس](#)» در ۹۰ صفحه چاپ می شود. ناشر این کتاب در تهران «انتشارات مازیار» بود. اشتباه نشود «انتشارات مازیار» هیچ رابطه ای با «مازیار رازی» امروزی ندارد. فرد مورد نظر ما آن سال ها نام دیگری داشت و کسی هم او را نمی شناخت. دو سال پیش مسئول «نشر بیدار» یک نسخه از آن کتاب را برای من

فرستاد تا به «[آرشیو ارنست مندل](#)» افزوده شود. چندی بعد افراد مختلفی به من خبر دادند که فردی به نام «مازیار رازی» کتاب مندل را تحت عنوان «[پیشگفتار بر سرمایه کاپیتال](#)» به عنوان نوشته خودش در سایت های مختلف چاپ کرده است. با مقایسه ترجمه بابک احمدی با «پیشگفتار مازیار رازی بر سرمایه کاپیتال» معلوم شد که «پیشگفتار مازیار رازی» یک رونویسی کلمه به کلمه ای از ترجمه بابک احمدی نیست. تنها تفاوت آن دو در دو نکته است حذف بیش از یک سوم کتاب، و جا به جایی پاراگراف ها برای رد گم کردن. خود قضاوت کنید:

**[درآمدی بر نخستین مجلد سرمایه کارل مارکس : ترجمه بابک احمدی](#)**

**[پیشگفتار مازیار رازی بر سرمایه «کاپیتال»](#)**

•<< پیشگفتار بر کتاب «[بین الملل سوم پس از لنین](#)»>>

داستان پیشگفتار مازیار رازی بر کتاب «[بین الملل سوم پس از لنین](#)» نوشته تروتسکی هم شبیه داستان پیشگفتار بر سرمایه «[کاپیتال](#)» نوشته مارکس است. نویسنده این سطور زیر نام م. آگاه کتاب «[بین الملل سوم پس از لنین](#)» را به فارسی برگردانده، پیشگفتاری طولانی بر آن نوشت و در سال ۱۳۵۸ در تهران توسط انتشارات «[طلیعه](#)» که وابسته به «[حزب کارگران سوسیالیست](#)» بود به چاپ رسید. رژیم به نابودی آن پرداخت. سال ها بعد در خارج از کشور تکثیر شد. این کتاب در سایت های اینترنتی «[آرشیو حزب کارگران سوسیالیست](#)» و «[هوشنگ سپهر](#)» در دسترس همگان قرار دارد. «پیشگفتار مازیار رازی» یک رونویسی کلمه به کلمه از پیشگفتار نوشته من است. تنها تفاوت این دو متن در کلمه آغازین است که در متن اصلی «شصت سال» و در متن دزدی به جای آن «هشتاد و شش سال» آمده است چرا که دزدی مازیار رازی بیست و شش سال بعد از چاپ متن اصلی انجام گرفته است. خود قضاوت کنید

**[پیشگفتار م. آگاه بر کتاب «بین الملل سوم پس از لنین» ص. ۷-۳۰](#)**

**[پیشگفتار مازیار رازی بر کتاب «بین الملل سوم پس از لنین»](#)**

•<< در پیشگفتار «[به نوشته مارکس در نقد برنامه گوتا](#)» می نویسد: " ترجمه مجدد از روی متن انگلیسی، با استفاده از نسخه اینترنتی [نشر کارگری سوسیالیستی، ترجمه م. رازی](#)">>

مازیار رازی ترجمه جدیدی از «[نقد برنامه گوتا](#)» نوشته مارکس را در اختیار خوانندگان قرار می دهد. معمولاً زمانی ترجمه جدیدی از یک کتاب انجام می شود که ترجمه ها قبلی نادرست، ناقص، نارسا و یا ناباب باشند. مازیار رازی در این مورد توضیحی نمی دهد. ما تحقیق در این مورد را بر عهده می گیریم.

این ترجمه مازیار رازی شامل دو بخش است. بخش نخست «[نقد برنامه گوتا](#)» نوشته مارکس است که صفحات ۸ تا ۴۰ را در برمی گیرد. این نوشته مارکس سال ها پیش تر توسط م ع به فارسی ترجمه شده و آن را در آدرس <http://www.k-en.com/Book/marx/m-guta/guta.htm> می توان مشاهده کرد. ترجمه مازیار رازی چیزی نیست جز تایپ مجدد ترجمه م بدون یک واو پس یا پیش. حتی غلط های املائی در ترجمه اول تصحیح نشده اند. برای نمونه در هر دو ترجمه و در همه جا کلمه "وهله" با املائی غلط "وحله" نوشته شده که از میزان سواد فارسی رازی و تایپیست حکایت دارد.

بخش دوم ترجمه مازیار رازی دو نامه است. اولی «[نامه انگلس به بیل](#)» که صفحات ۴۰ تا ۴۹ را در برمی گیرد. دومی «[نامه انگلس به کائوتسکی](#)» است که صفحات ۵۰ تا ۵۴ را در برمی گیرد. این دو نامه هم سال ها پیش تر به فارسی ترجمه شده بودند و در آدرس <http://www.siahkal.com/classic2/Marx-Karl-GOTHA.pdf> صفحات ۱۷ تا ۲۹ چاپ شده اند. این بخش از ترجمه رازی چیزی نیست جز تایپ مجدد ترجمه سایت سیاهکل بدون یک واو پس یا پیش.

معروف است که مشت نمونه خروار است، از اینرو در این جا به بررسی تطبیقی شاهکارهای مازیار رازی بسنده می‌کنم و ادامه آن را به دیگران وامی‌گذارم.

حال به نیمه اول نوشته که قرار است با شخصیت سیاسی مازیار رازی از زبان خودش آشنا شویم، می‌پردازیم. از بخت بد نویسنده اعضای "حزب کارگران سوسیالیست" سابق نه هنوز همگی دنیا را ترک گفته‌اند و نه همه صحنه سیاست و مبارزه را رها کرده‌اند. اما یک تفاوت بزرگ بین آنان و او وجود دارد و آن روش مبارزه است.

به اجمال به پاره ای از نکات افتخار آمیز در زندگی اش می‌پردازم!

•<<< در بیوگرافی به زبان انگلیسی مدعی می‌شود که از سن ۳ سالگی وارد مبارزه علیه رژیم شاه می‌شود و در ۶ سالگی دستگیر می‌شود. خانواده اش برای خلاص شدن از دست این پسر پرشور و شور انقلابی او را در سن ۱۵ سالگی و قبل از پایان تحصیلات دبیرستانی به لندن می‌فرستند.

پس از استالین نابغه استالینیت‌ها، شاهد اولین تروتسکیست مادرزاد هم شدیم! نویسنده این سطور بیش از ۴۰ سال است فردی را که در سال‌های اخیر اسم «مازیار رازی» را برای خود انتخاب کرده به خوبی می‌شناسد. به استناد گفته‌های مادرش علت فرستادن فرزندشان به لندن عدم قبولی در کنکور دانشگاه بود و نه سرکشی انقلابی. معروف است که دروغگو کم حافظه هم می‌شود: در صفحه فیس بوک خود مدعی است که دارای دیپلم مهندسی از دانشگاه ملی ایران است!

•<<< در بیوگرافی به زبان انگلیسی مدعی می‌شود که از سن ۱۶ سالگی در انگلستان در «گروه بین الملل مارکسیستی International Marxist Group - IMG بخش دبیر خانه بین الملل چهارم عضویت یافت. از اواخر دهه ۶۰، هنگامی که در لندن تحصیل می‌کرد یکی از فعالان و سازماندهای دانشجویی در جنبش ضد جنگ ویتنام بود. که نخستین تروتسکیست ایرانی در جهان بوده اما در نسخه فارسی به اروپا رضایت می‌دهد.

تصور کنید یک جوان ایرانی ۱۶ ساله ای که از ایران به لندن می‌رود و در اوج مائوئیسم نه تنها بلافاصله عضو یک گروه تروتسکیستی می‌شود بلکه از سازماندهای جنبش ضد جنگ ویتنام هم می‌شود. هنر نزد ایرانیان است و بس! اما ادعای نخستین تروتسکیست ایرانی بودنش هم مسخره و هم کاملاً نادرست. لاف زنی سفیهانه یک شیاد سیاسی مبتلا به عقده خود "بزرگ بینی". استالین اگر نخستین تروتسکیست‌های ایرانی را بطور فیزیکی نابود کرد اما مازیار رازی آن‌ها را از صحنه تاریخ حذف کرد تا خود جای آن‌ها را بگیرد.

•<<< مدعی می‌شود که در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ - ۱۳۶۹ نشریات سیاسی و تئوریک گروه سیاسی که عضوش بوده از جمله «**کندو کاو**»، «**چه باید کرد**»، «**کارگر**»، «**کارگران سوسیالیست**»، «**نظم کارگر**»، «**سوسیالیسم و انقلاب**» و کتاب‌های «**طلیعه**» را انتشار داد.

نویسنده این سطور که عضو تحریریه همه این نشریات بوده و با ترجمه مطالب و نگارش مقالات در انتشار آنان سهیم بود و هم چنین مسئول انتشارات طلیعه که شخصاً کتاب‌های بسیاری را به فارسی ترجمه کرد (سایت آرشیو حزب کارگران را ببینید)، گواهی می‌دهد که فردی که در سال‌های اخیر اسم «مازیار رازی» را برای خود انتخاب کرده در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ - ۱۳۶۹ حتی یک سطر هم برای این نشریات ننوشت، هیچ مطلبی هم ترجمه نکرد و تنها نقش وی انتقال مطالب صفحه بندی شده نشریات و کتاب‌ها به چاپخانه بود. در «**آرشیو حزب کارگران سوسیالیست**» مجموعه انتشارات گروه در فاصله سال‌های ۱۳۵۳ - ۱۳۶۹ گردآوری شده و هیچ نوشته‌ای از مازیار رازی وجود ندارد.

•<<< می‌نویسد که مازیار رازی در ۱۳۵۸ در نخستین تهاجمات علیه کمونیست‌ها توسط رژیم سال‌ها همراه با تنی چند از رفقاییش در اهواز دستگیر شد.

اما نمی‌نویسد که شخص وی اصولاً در خوزستان نبود و پس از دستگیری رفقا حزبی در اهواز، رهبری حزب برای کسب اطلاعات از چند و چون دستگیری اعضای او را از تهران به اهواز می‌فرستد. کمیته او را بازداشت می‌کند اما پس از ۴۸

ساعت آزاد می شود. ولیکن دیگر رفقای دستگیر شده تا مرز اعدام پیش رفتند و بیش از ۱۱ ماه در زندان بسربردند. حال که مازیار رازی پس از سی سال چنین به جعل رویدادهای گذشته می پردازد تا از خود یک انقلابی، یک نظریه پرداز و یک قهرمان بسازد، خوب است بیادش آوریم که بزدلی، خباثت طبع، فدا کردن دیگران برای نجات خودش بود که موجب گرفتار شدن تتی چند از رفقا از جمله خود تو سیروس شد. در حالی خودش از هتل هیلتون کراچی سر در آورد.

•<<< می نویسد که در حزب کارگران سوسیالیست نیز دو جبهه به وجود آمد، نخستین جناح به نمایندگی بابک زهرابی خواستار دفاع از خمینی و جمهوری اسلامی بود؛ طرف دیگر نیز به رهبری مازیار رازی و همفکرانش معتقد به مبارزه‌ای پیگیر و قاطع علیه ارتجاع اسلامی بود.

کسی که تا زمان این انشعاب و حتا تا ده سال بعد از آن یک مقاله که جای خود دارد حتی یک جمله هم به ادبیات حزبی ارائه نداده بود، می شود رهبر انشعاب! یکی از ویژگی های استالینیزم تحریف تاریخ است و گویلز هم معتقد بود که دروغ هرچه بزرگ تر باشد زودتر باورش می کنند!

•<<< مدعی می شود که در نوجوانی نزد ارنست مندل نظریه پرداز بزرگ مارکسیست به آموزش مارکسیزم پرداخت و تحت تأثیر او همکاری و فعالیت در جنبش جهانی تروتسکیستی و «دبیرخانه‌ی متحد بین‌الملل چهارم» را آغاز کرد.

من آنم که رستم بود پهلوان. وقتی که خود چیزی در چننه نداری باید از دیگران مایه گذاشت؟ تنها دو بار مندل را دید آن هم به عنوان یک شنونده در جلسه سخنرانی برای عموم که در سال های دهه ۱۹۷۰ در لندن برگزار شد. این مرید قلابی مندل و دزد آثار او که این همه سنگ او را به سینه می زند حتی در مراسم بزرگداشت مندل که پس از مرگش در گورستان پرلاشز در پاریس برگزار شد و بیش از ۲۰۰ ایرانی غیر تروتسکیست از سراسر اروپا در آن شرکت داشتند، نه خود شرکت کرد و نه نماینده ای از سوی تشکیلات قلابی تر از خودش.

حال می رسیم به عبارت آغازین ([اتوبیوگرافی "مازیار رازی"](#))، همان جمله که را خونت به جوش آورد و برخ خودش هم کشیدی :

•<<< می نویسد: مازیار رازی، فعال سیاسی و نظریه پرداز مارکسیست. سردبیر نشریه «میلیتانت» سخنگو و بنیادگذار «گرایش مارکسیست های انقلابی ایران». فعال و بنیادگذار «شبکه همبستگی کارگری»، (Iranian Workers) (Solidarity Network)، بنیادگذار پروژه بین المللی (احیای مارکسیستی Marxist Revival).

اینترنت و دنیای مجازی اش شهر فرنگ شگرفی است با تمام محاسن و معایبش. همانند هر اختراع و کشف علمی نو به خودی خود نه خوب است و نه بد، نه مفید است و نه زیان بخش. این بستگی دارد که توسط چه کسی و برای چه هدفی مورد استفاده قرار گیرد. در دنیای مجازی بی در و پیکر اینترنت، دستبرد زدن به آثار دیگران، آفرینش چهره های قلابی، و تحریف رویدادها امر آسانی است که " آدم های پست" را سخت به وسوسه می اندازد. این روزها شجاعت پرنده کمیابی است. می گویند که دشمن حقیر آدم را حقیر می کند، باید افزود که دوست حقیر به مراتب بیشتر. با روش های حقیر و پست به اهداف و آرمان های والای انسانی نمی توان رسید. مبارزه با این نوع انحطاط و شیادی وظیفه هر انسان با ذهن و وجدان سالمی است، چه رسد به کمونیست ها، به ویژه زمانی که خاطی و مجرم خود را "کمونیست" بدانند.

سپهر

فروردین ۱۳۹۳



مازیار رازی، فعال سیاسی و نظریه پرداز مارکسیست. سردبیر نشریه «میلیتانت»، سخنگو و بنیادگذار «گرایش مارکسیست های انقلابی ایران»، فعال و بنیادگذار «شبكة همبستگی کارگری»، (Iranian Workers Solidarity Network)، بنیادگذار پروژه بین المللی «احیای مارکسیستی» (Marxist Revival)

مازیار رازی نخستین تروتسکیست ایرانی در اروپا بود. وی در نوجوانی نزد ارنست مندل نظریه پرداز بزرگ مارکسیست به آموزش مارکسیزم پرداخت و تحت تأثیر او همکاری و فعالیت در جنبش جهانی تروتسکیستی و «دبیرخانه متحد بین الملل چهارم» را آغاز کرد؛ و در انگلستان در «گروه بین الملل مارکسیستی» International Marxist Group -IMG بخش دبیر خانه بین الملل چهارم عضویت یافت. از اواخر دهه ۶۰، هنگامی که در لندن تحصیل می کرد یکی از فعالان و سازماندهای دانشجویی در جنبش ضد جنگ ویتنام بود. هم زمان با این فعالیت ها وی در کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا نیز فعال بود و موفق شد همراه با رفقایش یک گروه تئوریک را حول نشریه ی «کند و کاو» به وجود آورد. نشریه «کندو کاو» در آذر ۱۳۵۳ انتشار یافت. و بازتاب کننده نظر مارکسیزم انقلابی (تروتسکیزم) بود. گروه طرفدار «کند و کاو» محور اصلی فعالیت هایش را بحث های تئوریک قرار داد که در چپ ایران کم سابقه بود. همچنین گروه به شکلی پیگیر در دفاع از حقوق بشر در ایران و حقوق زندانیان سیاسی در اختتامی در ایران» فعال بود و کمپین های بیشماری را در اروپا بر علیه جنایات رژیم شاهنشاهی سابق ایران سازمان داد. ۱۳۵۵ گروه نخستین تماس هایش در ایران را میان کارگران و دانشجویان برقرار کرد و در اوایل سال ۱۳۵۷ خود را به ایران (رجوع شود به کارنامه مارکسیست های انقلابی ایران) .

دنبال کردن

**دنبال کردن "مازیار رازی"**

هر نوشته نرهای را در نامبران خود دریافت نمایید.

به 196 مشترک دیگر بپیوندید

**رایانشلی خود را وارد کنید**

نام نویسی از من

تغییر گرفته از WordPress.com

پس از پیروزی انقلاب بهمن، گروه نشریات «چه باید کرد»، و سپس «کارگر» و نهایتاً «کارگران سوسیالیست» و نشریه «کارگر» در ایران انتشار داد. پس از تبعید نشریه تئوریک «سوسیالیزم و انقلاب»، و در ادامه آن «گاشنامه دیدگاه سوسیالیست» و نشر کارگری سوسیالیستی را منتشر کرد. مازیار رازی در نخستین تهاجمات علیه کمونیست ها توسط رژیم سال ۱۳۵۸ تکی چند از رفقایش در اهواز دستگیر شد. در سالهای پس از انقلاب که اکثر گروه ها و احزاب چپ به حمایت از خمینی در برابر امپریالیزم امریکا پرداختند، در حزب کارگران سوسیالیست نیز دو جبهه به وجود آمد. نخستین جناح به نمایندگی بایک زهرایی خواستار دفاع از خمینی و جمهوری اسلامی بود؛ طرف دیگر نیز به رهبری مازیار رازی و همفکرانش معتقد به مبارزه ای پیگیر و قاطع علیه ارتجاع اسلامی بود. سرانجام با وارد آمدن ضربات سهمگین رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، حزب مخفی شد و پس از دوره ای برخی از رهبران به تبعید برگشتند. در سال های تبعید، مازیار رازی و رفقایش آغاز به انتشار «دفترهای کارگری سوسیالیستی» کردند. در پی آن، مازیار رازی همراه با رفقای خود در «اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران»، با انتشار نشریات «کارگر سوسیالیست»، «جوان سوسیالیست» و «میلیتانت» به فعالیت های خود تداوم بخشیدند.

مازیار رازی کتب، جزوات و مقالات بی شماری را منتشر ساخته است که از جمله آنان می توان به جزوات زیر اشاره کرد: «به سوی مارکسیسم قرن بیست و یکم»، «آغاز فصل نوب در جنبش کارگری»، «درس های انقلاب اکتبر ۱۹۱۷»، «انقلاب و سوسیالیزم»، «مفهوم سوسیالیزم»، «از انتخابات تا انقلاب»، «در دفاع از حزب لتینی»، «حزب کمونیست کارگری و کمونیزم».

مازیار رازی با همکاری با «آرشیو مارکسیست ها در اینترنت» پیشگفتارهایی به آثار کلاسیک مارکس، لنین و تروتسکی نگاشته است.

مازیار رازی سلسله بحث های شتیداری در مورد اصول مقدماتی مارکسیزم نیز تهیه کرده است.

سخنرانی ها، مناظرات و مصاحبات اخیر تصویری-صوتی مازیار رازی در مورد مسایل پایه ای مارکسیستی، مسایل کارگری و مسایل

## ➔ Biography

Maziar Razi, IMT Congress 2008, Barcelona



**Maziar Razi** was born into a left-wing (albeit Stalinist) family and he has been surrounded by political debate, discussion and protest all his life. From the age of 3 or 4 years he was taking part in protests and was first arrested at the age of 6. He took part in anti-Shah protests from when he was 15-16 years old. His family, to prevent him from “getting into trouble”, sent him abroad to continue his education. From the age of 16-17, however, Maziar became active with the International Marxist Group (IMG), the British section of the United Secretariat of the Fourth International (USFI). Since then he has been consistently involved in various anti-war (beginning with anti-Vietnam War protests in London, in 1968), anti-capitalist and anti-dictatorship struggles. As the first Iranian Trotskyist, Maziar Razi was instrumental in recruiting other Iranians into the USFI. In subsequent years, together with other Iranian Trotskyists, he formed an Iranian Commission of the USFI and was one of the principle leaders of the Socialist Workers’ Party (*Hezb-e Kargaran-e Socialist*), section of the USFI in 1978. During the past 40 years Maziar Razi has been a revolutionary Marxist and contributed a great deal, organisationally and theoretically, to the Iranian working class movement. During 1978-83 the period of the Iranian revolution Maziar Razi was responsible in developing the sections of the HKS in the provinces, including Kurdistan and work among the oil workers of Khuzestan. It was because of his intervention within the oil workers’